



حاشیه فرش عهد هخامنشی کار ایران که در پازیریک بدست آمده است

تألیف : آقای مصطفوی رئیس باستان شناسی
و آقای صمدی موزه دار موزه ایران باستان

فرشهای تاریخی ایران (۱)

یونانی معرف تجمل مشرق زمین قلمداد گردیده و استعمال کلمه Tapétes یونانی بمعنای تجمل و در فرانسه Tapis مخصوص قالی شده است .

واژه قالی بنا به اعتقاد آقای پروفیسور پوپ مقتبس از نام شهر قالی قلعه ارمنستان میباشد که از روزگار گذشته قالی باقی آن مشهور بوده لیکن بعدها این صنعت در سراسر ایران عمومیت پیدا نموده است .

پروفیسور پوپ دانشمند فوق الذکر بر آنست که قدیمترین قالی مکشوف در جهان قالیهای است که بسال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۰ هیئت علمی موزه ارمنستان لنین گرا در نونین - اولا (Noin-Ula) مغولستان یافته اند . اما باید دانست که این اظهار دانشمند امریکائی پیش از کشفیات جالبی بوده که در محل پازیریک (Pazirik) صورت گرفته است . دره پازیریک در مسافت قریب دویست کیلومتری

قالیها و قالیچه های رنگارنگی که زینت بخش اغلب خانه هاست عموماً با پنجه های ظریف و هنرمند زنان و مردان جوان این کشور گره گره بافته شده و بسیاری از جهانیان در پرتو وجود این صنعت باستانی ظریف ایران را میشناسند . آقای ژان پوزی J-Pozzi رئیس اطاق تجارت ایران و فرانسه راجع به مقام این هنرمندان اینطور اظهار عقیده مینماید : « در نظر من هیچ یک از کارگران و صنعتگران جهان مرتبه و مقام زنان و کودکان خردسالی را که در مقابل کارگاه چوبی خود چندین ساعت نشسته و با انگشتان ظریف خویش با مهارتی خاص گره بر پشمهای رنگین - درون نسوج پنبه ای میزنند ندارند . »
از آنجائیکه بافتن قالی مستلزم وجود کارگران صبور و بردبار میباشد از دیرزمانی قالی بافی هم نوعی صنعت تجملی محسوب شده است و بهمین مناسبت در ادوار قدیمی - این صنعت همه جا توسط مورخین و نویسندگان

(۱) اداره کل هنرهای زیبای کشور مقاله درباره فرش ایران جهت درج در نشریه آن اداره از نگارنده خواستند و چون پیش از عنوان این مطلب نگارنده فصلی درباره کشفیات، شکفت آور فرشها و پارچه ها و آثار دیگر عهد هخامنشی در یکی از نواحی جنوبی سبیره موسوم به پازیریک نوشته بودم که ضمن مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی در چاپخانه بانک ملی مشغول چاپ آن هستم لذا آنچه مناسب از مطالب مذکور در فصل نامبرده اقتباسی نمودم و با آنچه همکار دانشمند آقای حبیب الله صمدی موزه دار ایرانباستان تحت عنوان تاریخ قالی در ایران مرقوم داشته اند و در پایان فصل سابق الذکر بعنوان ذیل چاپ میشود نیز اطلاعات سودمندی استخراج و استفاده نمودم و از مجموع مطالب فوق مقاله حاضر را بحضور علاقه مندان و خوانندگان گرامی عرضه میدارم بنابراین مطالبی که در این مقاله بعرض خوانندگان گرامی میرسد قسمت اعظم آن مستخرج از فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی و ذیل آنست که بوسیله آقای صمدی موزه دار ایرانباستان و اینجانب نگاشته شده است و در آینده منتشر خواهد شد .

سید محمد تقی مصطفوی

جنوب شرقی بی نسیک (از شهرهای جنوبی قسمت مرکزی سیبری) و بفاصله تقریبی ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان خارجی (که سابقاً جزء خاک چین بود) نزدیک محل التقای رودخانه های اولگان و بالیکتیول واقع شده ارتفاع آن از سطح دریا در حدود ۱۵۰۰ متر است .

دانشمند شوروی بنام س . ا . رودنکو ضمن دومین مرحله کاوشهای خود که در دره پازیریک انجام میداد در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ شمسی درون آرامگاه یخ زده یکی از شاهان سکاها آثار جالب توجهی از صنایع ایران دوره هخامنشی کشف نمود که مهمترین آنها یک قطعه فرش تقریباً کامل و قطعاتی از فرشها و پارچه های دیگر ایران عهد هخامنشی است .

طی مقاله که در مجله اخبار لندن مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۵۹۳ (۲۰ تیرماه ۱۳۳۲) در باره آثار مکشوفه در پازیریک درج گردیده بود فرش مکشوفه فوق را تحت عنوان قدیمیترین فرش ایران در دنیا که مدت ۲۴۰۰ سال در یخهای دائمی سیبری مرگزی محفوظ مانده است . معرفی نمود و درباره آن چنین توضیح داده اند :



فرش مکشوف در پازیریک مشتمل بر تصویر بانوان عهد هخامنشی . کار ایران عهد هخامنشی

مهمترین اشیاء

مکشوف در پازیریک قطعه فرشی است با نقش های مختلف که كرك آنرا از پشت گره زده و از سمت رو چیده و صاف نموده بودند . این فرش ضمن زین و بر گهائی که همراه جسد اسبها در دل خاک مجاور آرامگاه نهاده بودند بدست آمده برای زین یکی از اسبها بکار میرفته است . ابعاد فرش مزبور ۱/۸۳ متر در دو متر - در ۲ میلی متر میباشد و بقراریکه

کاشف فرش تشخیص داده است در هر دسیمتر مربع آن ۳۶۰۰ گره زده اند . کار آن ظریف و زیباست - نقشه روی فرش عبارتست از حاشیه ای مشتمل بر تصویر حیوانات افسانه بالدار - پس از آن ردیف سواران ایرانی که به ترتیب یکنفر بر اسب سوار و پشت سر او یکنفر دهانه اسب را گرفته است و میبرد - سواران مزبور کلاه مخصوص ایرانیان را بر سر نهاده اند . انتهای زیرین کلاه از زیر چانه کج شده بیائین دهان منتهی میگردد نوک طرف دیگر آنهم باریک است پس از آن ردیف گوزنهای خط وخال دار . بعد از آن حاشیه مجددی مشتمل بر تصاویر حیوانات افسانه بالدار و در وسط فرش نوعی نقوش چهاربرگی که از گل و بوته های آشوری اقتباس شده است (تصویر صفحه ۸) .

آقای رودنکو

دانشمند شوروی که کاوشهای پازیریکرا انجام داده و میتوان گفت قطعه فرش فوق شگفت انگیزترین چیزی است که در کاوشهای متعادی و دشوار این دانشمند در پازیریک بدست آمده است ، کتاب مفصلی بزبان روسی تحت عنوان تمدن مردم ناحیه کوهستانی آلتائی در عهد سکاها (چاپ مسکو - نئین گراد ۱۹۵۳) منتشر نموده

است و طی آن درباره فرش مزبور توضیحات مفصلی میدهد که برخی نکات آن بشرح زیر در اینجا نقل میگردد : « نقوش حیوانات بالدار در حاشیه کنار فرش کمی بزرگتر از نقوش همان حیوانات در اطراف قسمت وسط فرش بوده ، جهت آنها هم مخالف جهت نقوش اخیر الذکر میباشد و هر پنج حاشیه و نقش وسط فرش دارای حاشیه باریک ، مشتمل

بر نقوش مثلثهای ریزاست (با اصطلاح معمول ومصطلح فارسی دالبر) این قالی چند رنگ داشت که بیشتر آن قرمز سبز - آبی - سبز - زرد کمرنگ - نارنجی میباشد (آنچه از روی گراور رنگی فرش مزبور در کتاب آقای رودنکو تشخیص داده میشود زمینه فرش غالباً زرد کمرنگ و نقوش آن قرمز رنگ است و حاشیه اسب سواران برعکس دارای زمینه قرمز و نقوش زرد رنگ میباشد . م) تاریخ این قالی از روی شکل اسب سواران معلوم میشود . طرر نشان دادن اسبهای جنگی که بجای زین ، قالی بر پشت آنها گسترده اند و گردن برگشته اسبها و قطعه پارچه روی سینه اسب از مشخصات آشوریهها میباشد . لکن در روی فرش پازیریک ریزه کاری های مختلف و طرز گره زدن دم اسب و چگونگی گره مزبور آشوری نیست بلکه مربوط و متعلق بدوران پارسیان است . گره شبیه گره های دم اسبهای روی فرش را فرش کار ایران در عهد هخامنشی که در کاوشهای پازیریک کشف شده است .

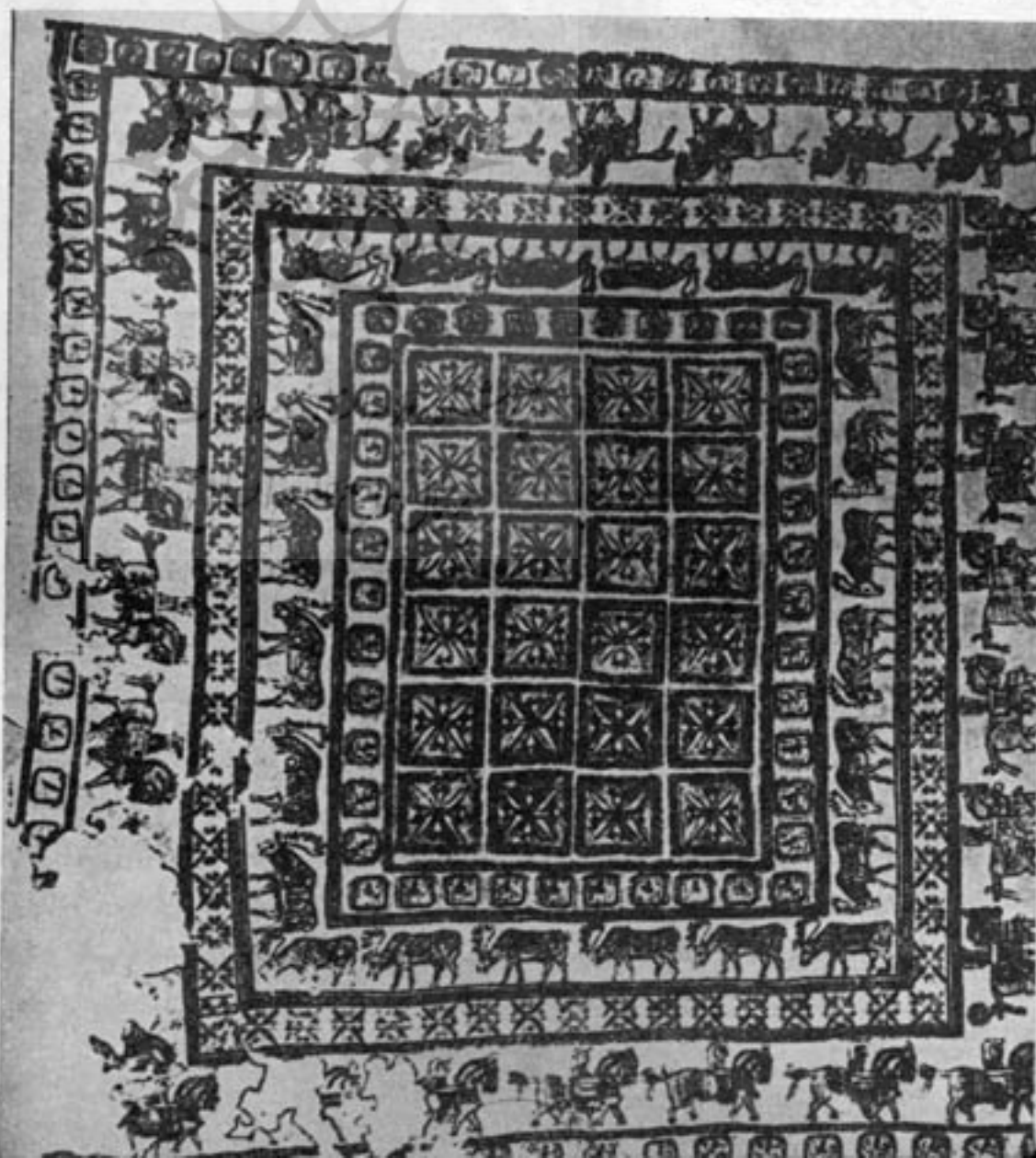
در نقوش برجسته تخت جمشید نیز مبینیم . «
در جای دیگر کتاب فوق دانشمند مزبور صراحتاً فرش مزبور را کار ایران میدانند در تشخیص اینکه در کدام قسمت ایران عهد هخامنشی بافته شده است اظهار تردید مینماید .

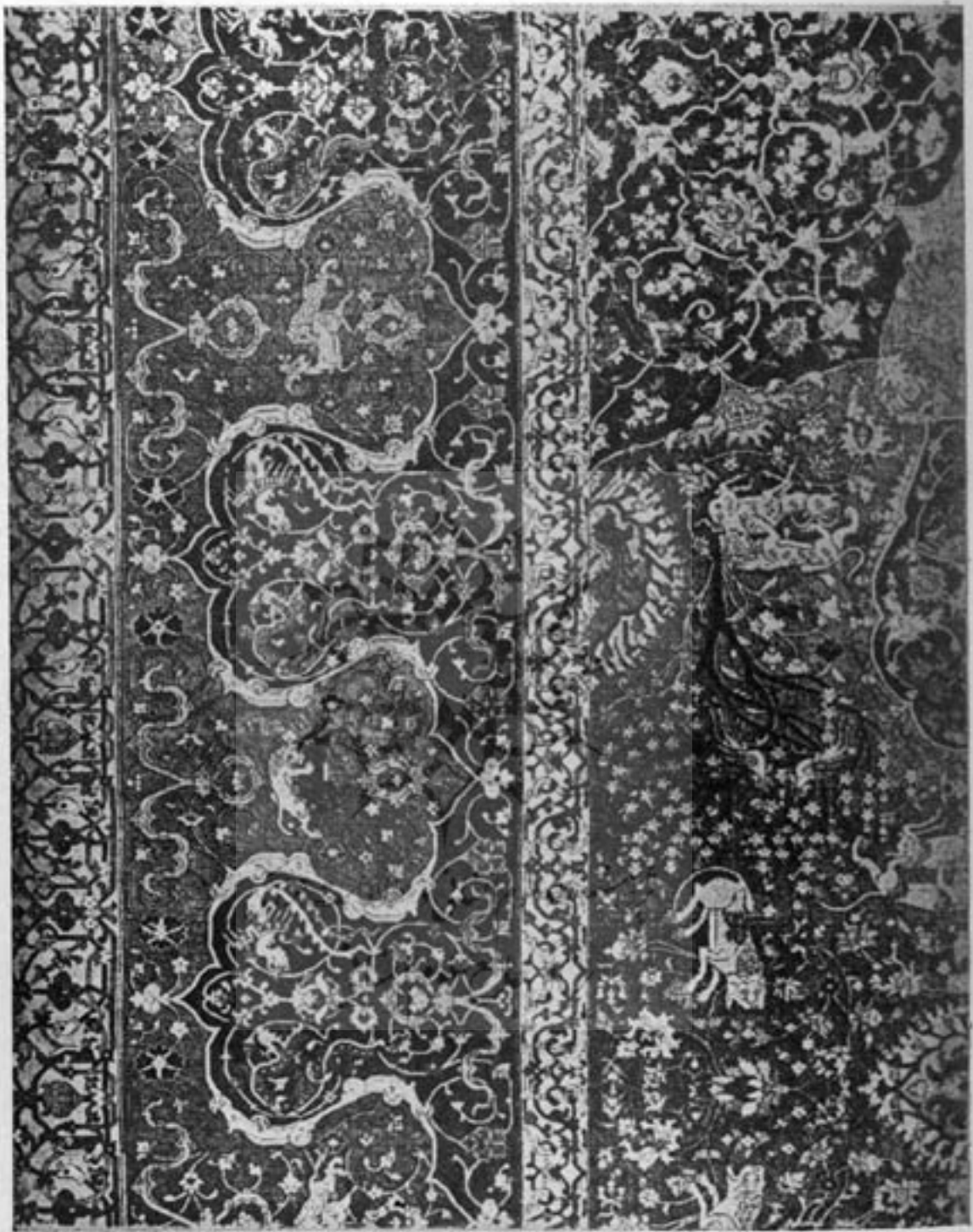
نگارنده با آشنائی و بررسیهایی که سالیان متمادی از نزدیک یا دور درباره آثار هخامنشی مخصوصاً در تخت جمشید نموده ، بخود جرئت میدهد که در باره فرش محل مزبور و محل بافت آن نکات ذیل را مذکور دارد :

بادقت در آثار تخت جمشید بخوبی میتوان استنباط نمود که همه جا استادان حجار مقید بوده سعی نموده اند موضوع نقش برجسته و چگونگی آنرا با اوضاع واحوال محلی که نقش در آنجا جلوه گری مینموده و زینت بخش بوده است ارتباط بدهند . چنانکه در کاخهای آپادانا و صد ستون که

محل برگزاری جشنهای رسمی وانجام مراسم سلام بوده صف لشکریان و نمایندگان اقوام ساکن قسمتهای مختلف کشور بصورت های گوناگون نموده شده است و در آستانه های مختلف کاخهای کوچک داریوش و خشایارشا در هر اطاق نقش مربوط بچگونگی استفاده از آن محل حجاری گردیده است . مثلاً در اطاقهای کوچک که شاهنشاه سر و صورت را صفا میداده نقش گماشتگان شاهی با شمعدان و عطردان و حوله و ظرف آب دیده میشود . آنجا که شاهنشاه وارد تالار کاخ میشود تصویر خدمتگزاران پشت سر او با در دست داشتن حوله و اسباییکه برای راندن حشرات بالای سر شهریار

۲۰۰×۱۸۳ سانتی متر





قالی شکار - موزه پولدی پوزولی (Poldi Pozzoli) در میلان (ایتالیا) . ۶۹۲x۳۶۰ سانتی متر .
کار غیاث‌الدین جامی مورخ ۹۲۹

حرکت میداده اند حجاری گردیده است و در آستانه بزرگ تالار که شاهنشاه از آنجا به بیرون کاخ میخرامد علاوه بر حوله و اسباب مزبور چتر آفتابی مخصوص بالای سر شاه حجاری کرده اند. همچنین تصاویر در باریان و جدال شاهنشاه با مظاہر اهریمن که در آستانه های اطاقهای مجاور طالارهای بزرگ نموده شده است و قس علیهذا.

در حاشیه بزرگتر فرش مکشوف در بازیریک دیده میشود که نقش مردان یکی سوار بر اسب و پشت سر او یکی پیاده پهلوی اسب که افسار آنرا از پشت گرفته، تکرار شده است و در برخی موارد هم دونفر سوار پشت سر هم یا دو پیاده به ترتیب فوق پشت سر هم قرار دارند.

بعقیده اینجانب نقش حاشیه مزبور نشانه و اشاره به سوار و پیاده شدن از اسب و حرکات معروف به سوار خوبی است که هنوز هم در جشنها و نمایشهای اسبدوانی در ایران مرسوم میباشد و در دوران امپراطوری روسیه در ارتش امپراطوری کشور مزبور بسیار معمول بود و در عهد قاجاریه این رسم مجدداً به پیروی از مراسم دیگر لشکری روسیه در ایران متداول گردیده است و بنا بر این میتوان تشخیص داد که رسم سوار خوبی و شیرینکاریهای اسب-سواران از دوران باستان و لااقل از عهد هخامنشی در کشور شاهنشاهی ایران معمول بوده و عمل میشده است. آقای رودنکو که حقاً با دقت و بررسی هر چه تمامتر در کتاب جامع خود اظهار نظر کرده اند فرش مکشوف در بازیریک را بافت یکی از سه قسمت کشور هخامنشی یعنی ماد-پارت یا خراسان قدیم - پارس میدانند. هر چند اسبهای پارس مشهور بوده و داریوش کبیر در کتیبه های خود مکرراً از اسبهای پارس نام میبرد اما چون نقش گوزن از تباط با پارس ندارد و از طرفی لباس مردانی که سوار بر اسبها هستند یا افسار آنها را در دست دارند لباس مردم ماد و اهالی شمال ایرانست احتمال اینکه فرش مزبور بافت پارس باشد تقریباً از میان میرود و چون سواران پارتی مشهورتر از سواران مادی بوده اند و لباس مادها با سایر قسمتهای ایران شمالی در بسیاری موارد شباهت دارد بخصوص کلاهی که در روی فرش بر سر ردیف مردان دیده میشود منحصر ب مردم ماد نیست و اقوام دیگر شمال ایران از جمله پارتها هم از این کلاه داشته اند (نقوش برجسته تخت جمشید

مطلب را معلوم و اثبات مینماید) و از طرفی گوزن در دشتهای شمالی سرزمین پارت بوده است و بالاخره چون پارت نزدیکترین قسمت ایران عهد هخامنشی به بازیریک میباشد از هر بابت میتوان احتمال داد و اظهار نظر نمود که فرش مکشوف در بازیریک در سرزمین پارت یعنی خراسان قدیم تهیه شده، ضمن مبادلات تجارتي و داد و ستدهای معمولی بین مردم شمال ایران پادشاه سکاها تعلق یافته و در بازیریک همراه جسد اسب پادشاه دفن شده است.

آنچه مناسب بنظر میآید در باره مهمترین کشف آرامگاههای بازیریک یعنی قطعه فرش فوق توضیح داده شد و جادارد کارشناسان فنی، بخصوص استادان نقشه کش و بافنده فرش به نحو عملی و میسر باشد این یگانه نمونه فرش هخامنشی یعنی محصول و یادگار استادان فرش عهد هخامنشی را مورد بررسی بیشتر قرار دهند و نکات هنری این صنعت ظریف باستانی را دریادگار ذیقمت مزبور مشاهده و درک نمایند.

علاوه بر فرش فوق قطعه کوچک فرش دیگری در بازیریک پیدا شده که نقش آن مشتمل بر مربعهای کوچکی است و بر روی هر مربع تصاویر بانوان عهد هخامنشی را در طرفین آتشدان نشان میدهد. بافت این فرش دور و بوده است بدین طریق که تار آنرا از پشم ظریف تابیده درست میگردد و پود آنرا از پشم ظریف برنگهای مختلف گره میزدند و بدین طریق طرحها و نقوش فرش را از دو طرف نمایان میساختند. در هر سانتیمتر مربع این فرش از یک طرف ۲۲ گره و از طرف دیگر ۲۴ گره زده اند نقوش مربعهای مزبور هیچکدام بطور کامل و از هر جهت بدیگری شباهت ندارد در صورتیکه در صنعت بافندگی چنین امری عادتاً پیش میآید. (تصویر صفحه ۷)

از توضیحات آقای رودنکو در باره قطعه فرش مزبور برمیآید که بافت آن تقریباً به گلیمهای بسیار ظریفی که مخصوصاً عشایر فارس میبافند شباهت داشته است. قطعه فرش دیگری هم در بازیریک پیدا شده که از لحاظ طرز بافت عیناً مانند قطعه فوق بوده تنها نقش آن بعوض خانه های مربع و تصاویر بانوان هخامنشی، مشتمل بر ردیف نقش شیرها نظیر ردیف نقوش شیرها در حجاریهای تخت جمشید است.

بنابر این با کشف نمونه‌های فرشهای ایران هخامنشی در پازیریک عنوان قدیمترین و مهمترین فرشهای ایران که تا کنون شناخته شده است شامل قطعه فرش سابق الذکر میگردد و پس از آن از فرشهای ساسانی میتوان بحث نمود که مهمتر و معروفتر از همه قالی معروف بهارستان است و بنا بر گفته مورخین قالی بهارستان در هنگام فتح ایران بدست مسلمین قطعه قطعه شده و بین فاتحین تقسیم گشته است.

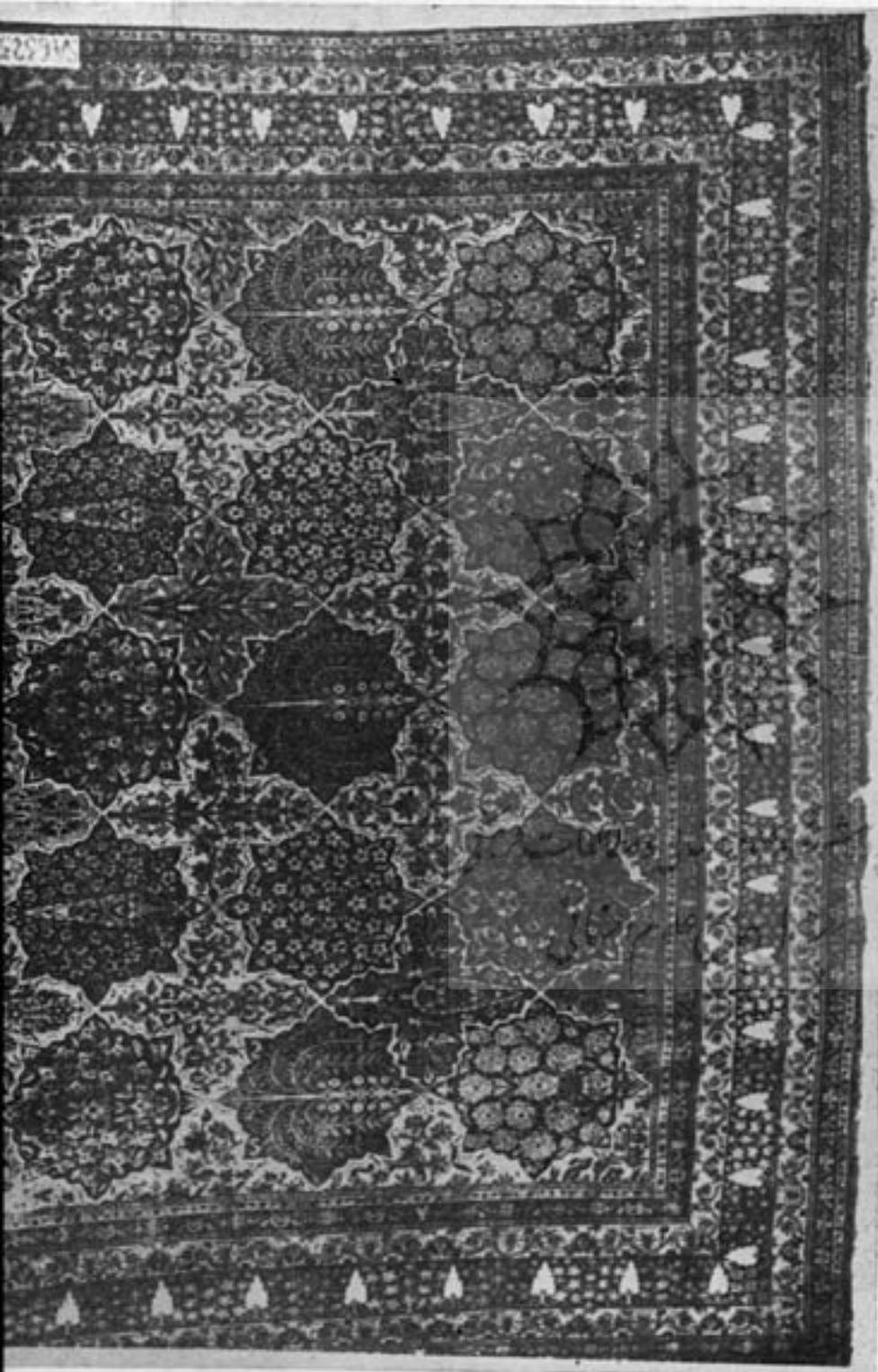
طبری نخستین مورخی است که از این فرش توصیف نموده است بنا بر گفته وی موادی که در این فرش بکار رفته عبارت بوده از ابریشم و جواهرات و طلا و نقره. رنگ سبز درختان از زمره و رنگ متن از نسوج زرین انتخاب شده بود. بجای آب، نگین‌های نفیس شفاف و عوض سنگ ریزه‌ها مروارید و عوض شاخه‌های درختان زروسیم بکار برده بودند.

هشام بن عبدالملک (۱۲۰ هجری) قالی ابریشمین و زرینی بطول ۹۰ و عرض ۳۲ متر داشته که با قالی بهارستان رقابت میکرده است. از آنجا که بافندگان فرش مرغوب بالا اختصاص ایرانیان بوده‌اند میتوان یقین داشت که قالی مزبور در ایران بافته شده بوده است.

مسعودی می نویسد «المستنصر» خلیفه عباسی قالی مصوری بصورت انسانی با کتیبه‌های پارسی داشته است. یکی از این صور مربوط به تاج گذاری سلطانی بوده که کتیبه مربوط وی را

شیرویه پسر خسرو پرویز معرفی مینموده است در این قالی صور شاهان و خلفای دیگر هم بوده من جمله یزید بن ولید بن عبدالملک.

بنابر آنچه گفته شد بافت این قالی در ایران بوده و بطور کلی در دوره خلفای اموی و عباسی مانند سایر رشته‌های



قالی چهار فصل . متعلق به مجموعه ژانسن آنادریا Jansen de Anderia



۴ - فرش کار تبریز، باندازه ۲۴×۵۰ سانتی متر. متعلق به مجموعه پولدی پوزولی (Poldi Pozzoli)

صنعتی، قالی بافی دنباله رونق دوره ساسانی را طی
میکرده است .

در اعصار سلجوقی و ایلخانی این صنعت کماکان رواج
کامل داشته است چنانکه غازان خان، مسجدی ساخته است
که با قالیهای اعلیٰ مفروش میشده است. همچنین وی برای
شنب معروف خود تعدادی قالی سفارش داد که در فارس
بیاوند . این بطوطه در این عصر از قالیهای سبز قام حدود
ایده و مال امیر سخن میراند .

از جمله شواهد و دلایل پیشرفت این صنعت در دوره
تیموریان وجود صحنه های قالی است که در مینیاتورهای
این زمان دیده میشود . چنانکه در ضمن تصاویر نسخه
خطی خمسه جامی کار قاسم علی که متعلق به مجموعه قصر
گلستان است این حقیقت را میتوان یافت . همچنین مینیاتورهای
دیگری از این زمان در دست است که طرز بافت قالی را
نشان میدهد . نقوش و طرحهای قالی در زمان تیموریان و
بعداً در دوران صفویه عموماً توسط هنرمندان بنام این عصر
از قبیل کمال الدین بهزاد - سلطان محمد - میر سید علی و محمدی
انجام گرفته است و میتوان گفت که تا هم امروز طرحها و نقوش
قالیهای ممتاز و معروف ایران از تأثیر و نفوذ کار این استادان
جلیل برکنار نیست .

قالیهای مشهور ایران که جزء مفاخر هنری ما محسوب
میشود و در خارج از ایران وجود دارد بالغ بر صدها پارچه
میباشد . مانند مجموعه قالیهای نفیس موزه وین - مجموعه
قالی های معروف موزه های برلین - قالی مشهور موزه لوور
که سابق بر این کلیسای نتردام را زینت میداده است - قالی
شکار موزه پولدی پوزولی (۱) میلان بافت غیاث الدین جامی
با اندازه ۶۹۲ × ۳۶۰ سانتیمتر مورخ سال ۹۲۹ .

قالی مشجر متعلق به مجموعه ویلیام که هم اکنون
در موزه پنسیلوانیای امریکا حفظ میشود و به نقوش باغ
و صور حیوانی مزین است - قالی مشهور گراکو (۲) در پاریس
و بالاخره مجموعه قالیهای موزه ویکتوریا و آلبرت (۳) و قالی
چهار فصل ژانسن اندریا (۴) که مزین به گل و گیاه فصل
مربوط ، درون ترنج ها و صورت های تزئینی است . همچنین
باید قالی تاریخ دار بافت مقصود کاشانی متعلق به برادران
دووین (۵) را نام برده .

در عصر صفویه بطوریکه قبلاً نیز گذشت صنعت قالی
بافی مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفت چنانکه
هنگامیکه نصیرالدین محمد همایون پادشاه هند بواسطه
اختلافات داخلی بدربار شاه طهماسب صفوی پناهنده شد
(۹۵۱) شاه ایران مقدمش را گرامی داشت و پسر خود مراد
میرزا را مأمور پذیرائی او نمود . در این مسافرت قالی
بافی ایران بقدری مورد علاقه همایون قرار گرفت که
در مراجعت به هندوستان تنی چند از استادان قالی و مینیاتور
ایران را برای رواج هنر و صنعت ایرانی به هندوستان برد .
این صنعتگران که از شهرهای اردبیل و جوشقان و کاشان
و خراسان به هندوستان رفتند مکتبی در قالی بافی بوجود آوردند
که بنام قالی بافی ایران و هند خوانده میشود . از جمله آثار
این زمان تعداد یازده قطعه قالی نفیس است که هم اکنون
جزء مجموعه آستاقدس رضوی در خزانه مبارک حضرت
رضا (ع) نگاهداری میشود و متأسفانه چون در حفظ
و حراست آنها در گذشته آنطوری که باید توجهی نشده است
جملگی وضع خوبی ندارد و امید میرود با مراقبت و علاقمندی
و ایمان اولیای محترم آستان قدس رضوی نسبت به مرمت
و صیانت آنها توجه مخصوص معمول شود .

این قالیها که در لاهور توسط استادان ایرانی بافته
شده کربک آن بسیار ظریف و تار و پود آن از ابریشم است
و از حیث رنگ آمیزی و ظرافت در جهان بی مانند میباشد
و بطوریکه حساب شده است در هر دسی متر مربع از این قالیها
بیش از یازده هزار گره زده اند .

شاه عباس کبیر بواسطه عشق و علاقه خاصی که به
صنعت قالی داشت میتوان گفت موجد مکتب بخصوصی در
قالی بافی شده است .

برای نخستین بار در تاریخ قالی بافی در زمان این
شهریار، کلابتون زرین و سیمین و ابریشم در بافتن قالی مرسوم
گردیده . در موزه ایران باستان هم هشت قطعه فرشهای نفیس
عهد صفویه هست که ذکر آنها در این مقاله موجب اطناب
مطلب میشود و علاقه مندان میتوانند به راهنمای اجمالی
موزه ایرانباستان یا شرحی که آقای صمدی در ذیل فصل
مربوط به کشفیات پازیریک طی مجلد سوم گزارشهای
باستانشناسی مرقوم داشته اند مراجعه فرمایند .

۱) Poldi Pozzoli ۲) Gracou ۳) Victoria and Albert Museum ۴) Jansen De Anderia
۵) Duween Brothers